

نویسنده: ان رایت (Ann Wright).

منبع و تاریخ نشر: کمان دریم «2018-11-23».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

روابط ایالات متحده امریکا و پاکستان در آخرین
ویا در بدترین نقطه کاهش و بهم خوردگی
در توییت های ترومپ

The US relation with Pakistan Hit Rock Bottom with
Trump Tweets

ایالات متحده امریکا خودش، خود را از پاکستان در معرض انزوا قرار
میدهد



عمران خان نخست وزیر پاکستان در این هفته با رئیس جمهور دونالد ترومپ در نقش
«جنگ علیه ترورزم» مشاجره داشته است «عکاسی توماس پیتر پول - گیتی»
پس از آنکه من ده روز پیش در مورد سفر من به پاکستان این داستان را نوشتم،
رئیس جمهور ترامپ از تلاش های ضعیف و کمتری پاکستان در جنگ علیه «ترور» در
توییت های خود با نخست وزیر جدید التقرر پاکستان «عمران خان» آغاز به مشاجره
کرد. ترامپ روز یکشنبه مورخ (18) ماه نومبر به فاکس نیز (Fox News) گفت:
پاکستان باید واضح و روشن سازد که **اسامه بن لادن** در پاکستان زندگی میکرد،

آنطوریکه من حدس میزنم او یعنی **اسامه بن لادن** در یک عمارت زیبا و مجلل در جنب اکادمی نظامی پاکستان بود و باش داشت، ولی ما به پاکستان سالانه (3، 1) میلیارد دلار کمک میکردیم، من در این کمک‌ها را بستم چونکه پاکستان برای ما هیچ کاری انجام نداده است آیا برای ما چیزی عجیبی نیست؟
خان روز سه شنبه در توئیتر با سه توئیتر پاسخ داد:

تویت نخست: ضرور پنداشه میشود که سخنان دراز و شدید الحن آقای ترامپ علیه پاکستان ثبت و ریکارد شود «1» پاکستان در رخداد (9/11) دخالت نداشت و اما پاکستان تصمیم گرفت تا در جنگ علیه تروریسم شرکت کند. «2» پاکستان در این جنگ (75) هزار نفر تلفات انسانی را متحمل شد و بیش از (123) میلیارد دلار به اقتصاد پاکستان لطمه زد در حالیکه کمک ایالات متحده آمریکا به پاکستان صرف (20) میلیارد دلار بود.

تویت دوم: «3» مناطق قبایلی ما ویران شد و میلیون‌ها نفر قبایلی از خانه‌های شان بیجا و آواره شدند و این جنگ به شدت تمام بالای زندگی معمولی مردم تاثیرات ناگواری بجا گذاشت «4» پاکستان بصورت دوامدار و آنهم رایگان تمام راه‌ها و معابر و خطوط هوایی خود را برای انتقالات محموله‌های آمریکایی و تامین ارتباطات هوایی آمریکایی‌ها به اختیار آنها گذاشت آیا آقای **دونالد ترامپ** کدام کشوری دیگری از متحدین خود را آنچنانیکه پاکستان در این موارد قربانی داده است میتواند از آن نام گیرد؟
تویت سوم: پاکستان بعوض شکست و ناکامیهای شان در جنگ باید قربانی دهد، آمریکا باید در موارد چند و بویژه در مورد شکست اش در جنگ افغانستان باید به بررسی جدی بپردازد که چرا با وجود (140000) نفر نیروهای نظامی با متحد «ناتو» اش و افزون بر آن با (250) هزار نیروهای جنگی و امنیتی افغان و با صرف در حدود (یک تریلیون) دلار در این جنگ شکست خورد و طالبان اکنون نسبت به قبل هرچه بیشتر نیرومند شده اند.

ریس جمهور ترامپ بعداً سلسله از نوشته‌ای تویت خود را به نشر سپرد:

تویت نخست: البته ما با یک مدت قبل **اسامه بن لادن** را دستگیر میکردیم که میتوانستیم من در کتاب که نوشته‌ام در اشاره به آن فقط قبل از حمله بر مرکز تجارت جهانی از اشتباه بزرگی که کلنتون ریس جمهور نمود و **اسامه بن لادن** را از پادرنیا ورد یاد کردم ولی ما با وجود آن هم ملیاردها دلار به پاکستان پرداختیم ولی هرگز پاکستان بمانگفت که او یعنی **بن لادن** اینجا در پاکستان زندگی میکند. احمق‌ها!

نخست وزیر پاکستان «عمران خان» سپس پاسخ داد: ادعاهای دروغین ترامپ توهین و افزودن لطمه به پاکستان رنج و نگرانی او به اصطلاح به نسبت از دست رفتن زندگی ثبات اقتصادی و بر باد شدن هزینه‌ها ناشی از تخریب مرکز تجارت جهانی میباشد.

او نیاز دارد تا معلومات چندی از حقایق تاریخی بدست آورد، پاکستان در این جنگ امریکا به اندازه کافی متحمل رنج های فراوان شده است، اما ما اکنون آنچه که برای مردم و منافع ما مناسب است انجام خواهیم داد.

هما نظور که من در مقاله زیر می نویسیم، ایالات متحده به علت نقش پاکستان در افغانستان و روابط آن کشور با ایران و چین، خود را منزوی و مخالف پاکستان ساخت. من در پاکستان ده روز پیش در کنفرانس "ژئوپلیتیک دانش و نظم نو ظهور جهان" که توسط پوهنتون دفاع ملی پاکستان برگزار شده بود صحبت کردم. در این سمپوزیوم، دانشمندان و روزنامه نگاران را از شش کشور در پوهنتون نظامی برتر پاکستان جمع آوری و دعوت کرده بودند. من با اشتراک خود در این سمپوزیم مقاله ای داشتم به این مضمون و محتوی: که آنرا به اشتراک کنندگان ارائه نمودم: "چگونه استثنای گرای، نژاد پرستی، نفرت، عصبانیت و رد قانون می تواند / منجر به سقوط امپراطوری شود".

دیگر سخنرانان از چین، آلمان، سوئد و پاکستان شامل **پپه اسکوبار**، سردبیر آسیا تایمز، دکتر **رابرت جانسن**، اخیراً بازنشسته استاد و روزنامه نگار در پوهنتون تگزاس-آستین، دکتر **سامی الاریان**، مدیر و استاد در امور عامه در مرکز اسلام و امور جهانی، در استانبول، ترکیه و دکتر **محمد مرندی**، استاد ادبیات و شرق شناسی، پوهنتون تهران، ایران.

رابطه بین دولت ترامپ و پاکستان پس از اینکه ایالات متحده 330 میلیون دلار کمک نظامی به پاکستان را در اکتبر سال «2018» به دلیل ناکامی در اعمال حاکمیت اش بالای گروه های ستیزه جویانی که در افغانستان فعالیت می کنند، قطع کرد. دولت **اوباما** همچنین در سال «2011» مبلغ «800» میلیون دلار کمک مالی به پاکستان را بحال تعلیق درآورد و همچنان در سال «2016» به همین دلیل مبلغ «350» میلیون دلار را بعنوان کمک نظامی که به پاکستان می نمود نیز تعلیق نمود.

ایالات متحده خود، خودش را از پاکستان در معرض خطر قرار می دهد. یعنی از کشوری با جمعیتی بیش از «202» میلیون، پاکستان ششمین جمعیت از جهان است که بعد از چین، هند، ایالات متحده آمریکا، اندونزی و برزیل، پرنفوس ترین کشور در جهان است و در عین زمان پاکستان یکی از نه کشور است که سلاح های هسته ای را توسعه داده است و یکی از مهمترین بازیکن کلیدی در امور امنیت منطقه ای است که در زیر چتر امنیتی اش همسایگانش اعم از افغانستان، ایران، هند و چین قرار دارد.

جای تعجب نیست که دولت ایالات متحده ممکن دوباره به عقب برگردد، دولت جدید پاکستان به رهبری «**عمران خان**»، برای کمک به همسایگان خود به ایران و چین به یک دستیار تبدیل شده است. «**عمران خان**» نخست وزیر جدید التقرر پاکستان در ماه

جولای همین سال در سطح بین‌المللی برای نخستین بار با یک مقام ارشد یعنی با وزیر امور خارجه ایران ملاقات کرد

وقتی که من در پاکستان بودم، «**عمران خان**» مشغول مسائل داخلی و بین‌المللی بود. در آن هفته، وزیر امور خارجه ایران به بار دوم از پاکستان دیدار کرد و همراه با «**عمران خان**» به عنوان مهمان افتخاری دولت چین غرض اشتراک در اولین نمایشگاه بین‌المللی واردات چین که در تاریخ «2-3» نوامبر «2018» برگزار شد به چین سفر کردند. دولت «**عمران خان**» «60» میلیارد دلار در پروژه‌های در حال انجام با دهلیز اقتصادی چین و پاکستان در زمین و دریا سرمایه‌گذاری کرد، دهلیز اقتصادی چین و پاکستان در (پیوند با پروژه گسترده‌ای از طرح ابتکاری کمربند و جاده (BRI) یا جاده جدید ابریشم چین) است.

دولت ترامپ در منطقه‌ای بسیار مهمی که مصادف با آغاز هجدهمین سال جنگ ایالات متحده با همسایه‌های پاکستان در افغانستان است، با درحاشیه رفتن خویشتن را در انزوا قرار میدهد.

در روزهای (31 اکتبر - 3 نوامبر 2018) من در پاکستان بودم، چالش‌هایی که برای دولت جدید پاکستان عرض اندام کرد و یا که بوجود آورده شد. اعتراضات علیه این کشور ناشی از تصمیم دادگاه عالی پاکستان بخاطر تبریحه دادن برای یک زن مسیحی پاکستانی به نام آزیای بیبی به نسبت اتهامات که بروی مثل کفرگویی توهین به اسلام و یا به پیامبر اسلام زده شده بود بوجود آمد - دادگاه بعوض که برای آن خانم حکم اعدام را تصویب کند به او هشت سال حکم حبس را صادر کرد که این حکم دادگاه سرانجام منجر به قلع امورات معمول کشور شد.

اتهامات صرفاً توهین به مقدسات که منجر به مرگ توهین‌کننده میشود از طرف مذهبیون متعصب افراطی دامن زده میشود که این مذهبیون متعصب پاکستانی عمدتاً توسط حزب حرکت لبیک پاکستان رهبری میشود حزبی که اساس آن در سال (2015) گذاشته شد و آن زمانی بود که آنها برای چندین هفته در پایتخت پاکستان اسلام‌آباد بخاطر پیاده کردن و به اجرا درآوردن قوانین سختگیرانه مذهبی دست به اعتصاب زدند تا که منجر به استعفای وزیر دادگاه عالی پاکستان شد و راه را برای این گروه متعصب مذهبی در ماه جولای باز کرد که در تاریخ (25) ماه جولای سال (2018) در انتخاباتی که صورت گرفت این حزب توانست که در حدود (23،2) میلیون رای از رای‌دهندگان را بخاطر پیاده کردن قوانین سختگیرانه مذهبی در پاکستان از آن خود کردند.

دادگاه عالی که این حکم را صادر کرده است برپایه‌ای این استدلال بوده که هشت سال قبل هیچگونه شواهدی مبنی بر محکومیت خانم بی‌بی که او به مقدسات توهین کرده

باشد در دست نبوده و یا که کسی بخاطر تقویت تصمیم اش در مورد این خانم به آیه های قرآن اشاره کرده باشد بلکه این ها خود این مذہبیون متعصب افراطی اند که شخص متهم به توهین از مقدسات را تهدید به مرگ میکنند.

بعد از حکم دادگاه عالی در مورد این خانم بلافاصله هزاران نفر از مسلمانان (عمدتاً مردان) به خیابان ها آمدند، ترافیک را مسدود کردند، لاستیک ها را آتش زدند، اتومبیل ها را سوختاندند که اعتراضات شان برای به مدت سه روز دوام کرد تا آنکه «عمرانخان» نخست وزیر و رئیس ستاد ارتش پاکستان به آنها هشدار دادند که در صورت دوام اعتصابات خیابانی معترضان، ارتش بمنظور جلوگیری از بروز هرج و مرج اقدام لازم خواهد کرد.

در روز جمعه، «2» نوامبر، دولت، کل سیستم تلفن همراه را شامل کسب اطلاعات از طریق اینترنت و تلفن همراه در سطح کل کشور بخاطر عدم برقراری ارتباط بین عناصر اعتراض کننده ها سختساخت و برای دوازده ساعت، تمام ارتباطات در پاکستان را که از تلفن های ثابت و اینترنت در داخل خانه ها از آن برای انجام کارهای روزمره تجاری استفاده میشد ببست و یا قطع کرد.

تمام مدرسه های کشور برای دو روز بسته شد و ترافیک در تمام شهرهای بزرگ پاکستان با گذاشتن موانع و یا «رود برک» پیش روی تظاهر کنندگان مسدود شد.

و پس از آن، در اواخر بعد از ظهر روز «2» نوامبر، **مولانا سمع الحق**، رهبر طالبان، در خانه خود در شهر نظامی راولپندی با خنجر و چاقو کاری کشته شد. او یک روحانی شناخته شده بسویه بین المللی و ریس / مدرسه / دارالعلوم Darul Uloom حقانی بود، دارالعلمی که **ملا عمر** پیشوای افتخاری طالبان، و اکثریت رهبران طالبان افغانستان از جمله **جلال الدین حقانی**، بنیانگذار شبکه حقانی و **اختر منصور**، رهبر پیشین طالبان در این دارالعلوم تحصیل کرده بودند.

پس از اینکه طالبان در اواسط دهه «1990» به قدرت رسیدند، هشت وزیر در کابینه حکومت طالبان همه در دارالعلوم حقانی Darul Uloom Haqqania تحصیل کرده بودند و سمع الحق را عنوان "پدر طالبان" میخواندند. اگرچه حسب گزارشات اخیر او در این دو سال گذشته چندان شخص فعال نبود و چند سال پیش سمع الحق به عنوان واسطه میان طالبان با سایر نهادها در تمام نقاط جهان خدمت کرده بود. **فضل الرحمان خلیل** گزارش داد که سمع الحق را به عنوان میانجی اصلی انتخاب کردند چونکه او یکی از رهبران مذهبی بود که در اکتبر «2018» در یک همایش واقع در اسلام آباد که اشتراک کرده بود به روند تا مین صلح در افغانستان موافقت خود را اظهار کرد یعنی که روند صلح در افغانستان را تأیید کرد.

نتیجه و یا پیامد این کنفرانس و یا همایش منعقد در اسلام آباد منتج به این شد که وزیر امور خارجه فدرال پاکستان آقای پیر نور الحق قادری (Pir Noorul Haq Dadri) را بوکالت و یا به نمایندگی از طالبان و علمای پاکستانی (متشکل

از پژوهشگران مسلمان در اسلام آباد که مفسر آموزه ها و احکام اسلام هستند و نیز
حامیان اصلی تداوم در تاریخ روحانی و اندیشوی جامعه اسلامی اند (از جمله فضل
الرحمان دنباله رو این طریقت را در دور اول مذاکرات بین طالبان و ایالات متحده
امریکا به گفت و شنود در قطر انتصاب کردند. دولت پاکستان یک بنیانگذار و دومین
فرمانده طالبان را که عبدالغنی برادر نام دارد، باملا «عبدالصمد سانی» و پنج فرمانده
دیگر طالبان را آزاد کرد، عبدالغنی برادر در پی حمله «نهم» سپتامبر «2001» به اتهام
عضویت در سازمان القاعده و حمله به مرکز تجارت جهانی، پنتاگون و هواپیمایی که در
پنسیلوانیا سقوط کرد، در پاکستان دستگیر شده بود

ایالات متحده اگر عاقلانه باشد به جای آنکه خود را از دولت جدید پاکستان دور
کند، بهتر است که نزدیک کند چونکه بسیاری از مسائل منطقه ای مربوط به افغانستان،
ایران و چین پیوندهای امنیتی و اقتصادی کلیدی در پاکستان دارند

..... **با تقدیم سلامها «2018-11-25»** . .